

محبت اهل بیت علیهم السلام و رستگاری

حسن تر کاشوند

چکیده

همه مذاهب اسلامی بر ضرورت محبت به اهل بیت علیهم السلام اتفاق نظر دارند و محبت راستین را سرآغاز تبعیت از اهل بیت علیهم السلام و حرکت در مسر این بزرگواران می‌دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین محبتی را شرط ایمان و وسیله‌ای برای هدایت به سوی خدا دانسته و در قرآن کریم، پاداش دوستی اهل بیت علیهم السلام متوجه خود مسلمانان بیان شده است.

نخستین شرط محبت اهل بیت علیهم السلام، اطاعت از خداوند و پرهیز از گناه است و کسی که از محبت خاندان عصمت علیهم السلام دم می‌زند، باید در عمل پیرو راستین این بزرگواران باشد و دوری از گناهان را سرلوحه زندگی خود قرار دهد. کسی که در دل خود محبت برآمده از معرفت به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، پیروی از آنان را بر خود واجب می‌داند و میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی»، پیوندی استوار برقرار می‌کند. در روایات، نافرمانی از دستورهای خداوند، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام توصیف شده و محبت ظاهری، بدون پایبندی به شریعت، کاری بیهوده دانسته شده است. همچنین محبت اهل بیت علیهم السلام کفاره گناهانی بیان شده که از روی غفلت و ناآگاهی انجام شده است.

این نوشتار، بر پایه قرآن و روایات، محبت اهل بیت علیهم السلام را شرط رستگاری، پایبندی به شریعت را نشانه محبت و این محبت را کفاره گناهان سهوی بیان کرده است. واژگان کلیدی: اهل بیت علیهم السلام، محبت، معرفت، شریعت، رستگاری.

ضرورت محبت و مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام که در قرآن به عنوان تنها مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی شده است، مورد اتفاق و پذیرش همه مذاهب اسلامی است. اگر این محبت واقعی و مبتنی بر معرفت نسبت به اهل بیت علیهم السلام و سیره آنان باشد، موجب راه یافتن به مسیر هدایت و رستگاری خواهد شد. مهم‌ترین نشانه محبت راستین به اهل بیت علیهم السلام تبعیت از آنان و تلاش برای حرکت در مسیر تعیین شده از جانب آنهاست و کافی دانستن محبت به اهل بیت بدون پایبندی به شریعت، توهمی بیش نیست که ناشی از جهل، غلبه احساسات یا پیروی از هوای نفس می‌باشد.

محبت، حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی ایجاد می‌گردد که با وجود او، ملایمت و با تمایلات و خواسته‌هایش تناسب دارد.^۱ انسان تا چیزی را خوب نشناسد، به آن دل نمی‌بندد و دوستی و محبت آن در دلش جای نمی‌گیرد. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحُبُّ فِرْعُ الْمَعْرِفَةِ»^۲ بنابراین محبت ریشه در معرفت و شناخت دارد و محبت واقعی و راستین زمانی پدید می‌آید که محب نسبت به محبوب و کمالات حقیقی او معرفت داشته باشد.

از موضوعاتی که هر مسلمان و مؤمنی باید در منظومه اعتقادی و رفتاری خود جایگاه ویژه‌ای به آن بخشد، دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام است. این محبت از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که خداوند در قرآن، آن را تنها مزد و پاداش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۳ بگو از شما

هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم، جز آن که نزدیکان مرا دوست بدانند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز داشتن چنین محبتی را شرط ایمان دانسته و می‌فرماید:

لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَيَكُونَ عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِهِ وَ
يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ يَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ.^۴

هیچ بنده‌ای ایمان ندارد، مگر اینکه من نزد او، از خودش محبوب‌تر باشم و ذریه من پیش او، از ذریه خودش محبوب‌تر باشد و اهل من پیش او، از اهل خودش محبوب‌تر باشند و ذات من نزد او، از ذات خودش محبوب‌تر باشد.

همچنین در هنگام بیماری نزدیک به رحلت خود فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ يَوْشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضًا سَرِيعًا، فَيَنْطَلِقَ بِي، وَ قَدْ قَدِمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ
مَعْذِرَةً إِلَيْكُمْ، مَخْلَفٌ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ رَبِّي عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ عِزَّتِي أَهْلِي بَيْتِي، ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ
عَلِيِّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَقِرَانِ حَتَّىٰ يَرِدَا عَلِيَّ
الْحَوْضِ.^۵

ای مردم! نزدیک است که زودی به دیدار خدا بشتابم و گفتاری دارم که راه عذر همه شما بسته می‌شود. آنگاه باشید که من کتاب خدا و اهل بیت خود را در میان شما به امانت می‌نهم. سپس دست امیرالمؤمنین را گرفت و برافراشت و فرمود: این علی با قرآن و قرآن با علی است. از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند. پس از آنان بپرسید آن چه را که را در آنها باقی گذارده‌ام.

در بین فرق اسلامی، در فضیلت و ارزش و حتی وجوب دوستی با اهل بیت علیهم السلام اختلافی دیده نمی‌شود. ولای محبت، خاص شیعه نیست؛ بلکه سایر مسلمانان نیز به آن اهمیت می‌دهند. امام شافعی که از ائمه چهارگانه اهل سنت است، در اشعار معروف خود می‌گوید:

ان كان رفضاً حبُّ آل محمدٍ فليشهد الثقلان أني رافضي.^٦

اگر حبّ آل محمد رفض (به معنای طرد و ترک چیزی است و شیعیان را به علی رافضی می‌خوانند) شمرده می‌شود، پس جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم.

همچنین می‌گوید:

ای اهل‌بیت رسول! دوستی شما فریضه‌ای است که از جانب خداوند در قرآن آمده است. از افتخارات شما این بس که درود بر شما جزء نماز است و هر کس بر شما درود نفرستد، نمازش باطل است.^٧

زمخشری و فخر رازی که در بحث خلافت دیدگاهی متفاوت و مخالف با دیدگاه معتقدان به امامت و رهبری اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند، اما در موضوع ولای محبت اهل‌بیت روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود:

من مات علی حب آل محمد مات شهيداً... و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الايمان.^٨

کسی که با حبّ آل محمد از دنیا برود، شهید از دنیا رفته... و کسی که با حبّ آل محمد بمیرد، با ایمان کامل از دنیا رفته است.

بنابراین در ضرورت محبت‌ورزی هر مسلمانی به اهل‌بیت علیهم‌السلام تردیدی وجود ندارد و همان‌گونه که اشاره شد، قرآن کریم مزد رسالت پیامبر را دوستی اهل‌بیت بیان فرموده و از مسلمانان خواسته است تا به شکرانه ایمان و راه یافتن به مسیر هدایت و کمال توسط پیامبر، تنها اهل‌بیت او را دوست بدارند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^٩ اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مگر دوست داشتن اهل‌بیت علیهم‌السلام چه سودی دارد

که مزد رسالت پیامبر اکرم قرار داده شده است؟ قرآن کریم در آیاتی دیگر به این پرسش پاسخ می‌دهد و سود دوستی اهل بیت پیامبر ﷺ را متوجه خود مسلمانان بیان می‌فرماید. خداوند در آیه‌ای دیگر به پیامبرش دستور می‌دهد که بگو: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا﴾؛^{۱۰} بگو من بر رسالت خود مزد و پاداش نمی‌خواهم، مگر کسی را که به سوی پروردگار خود راهی پیدا کند.

در این آیه پیامبر اکرم ﷺ مأمور است در عبارتی پر معنا و جذاب اجر و پاداش خود را راه یافتن و هدایت شدن مردم به سوی خدا معرفی کند. در آیه‌ای دیگر پاداش درخواستی خود را تنها به نفع و سود مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛^{۱۱} بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام، برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!

از ترکیب این سه تعبیر این نتیجه به دست می‌آید که اگر اجر و پاداش رسالت پیامبر اکرم ﷺ مودت ذی‌القربی و اهل بیت ایشان دانسته شده، این مودت از یک سو به سود خود مؤمنان است، نه به سود پیامبر، و از سوی دیگر این محبت و سیله‌ای است برای هدایت به سوی خدا که موجب می‌شود انسان حلال را از حرام، واجب را از غیر واجب و صحیح را از باطل تشخیص داده و پیوسته در صراط مستقیم باشد. از این رو قرآن دوستی با خاندان عصمت را به صورت ظاهری پاداش و اجر رسالت شمرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.^{۱۲} بنابراین، چون دوستی اهل بیت ﷺ راهی به سوی خداست، ارزشمند است و نباید به آن، تنها از دیدگاه احساسی و عاطفی نگریست. این دوستی، سرچشمه اعمال صالح و راه صحیح هدایت است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ با معرفی اسوه‌های آرمانی و سفارش به دوستی و الگوگیری از آنان، راه کار عملی هدایت مردم را بنیان نهاده است.

پایبندی به شریعت، نشانه محبت راستین

گاه اعتقاد و باوری خاص، منشأ پیدایش اباحی‌گری است. اباحی‌گری به این معناست که شخص به رغم برخورداری از ایمان و خدا باوری، در حوزه عمل به لوازم دینداری، از خود پایبندی نشان نمی‌دهد و به نوعی گرفتار ولنگاری و بی‌مبالاتی در برابر آموزه‌ها، ارزش‌ها و شعائر دینی، می‌شود؛ مانند این که شخص در عین این که به مبانی اساسی دینی باورمند است، اما به سبب نگرشی خاص مانند کافی بودن محبت اهل بیت علیهم‌السلام برای رسیدن به سعادت اخروی، دچار نوعی اباحی‌گری می‌شود. اباحی‌گری ناشی از این اعتقاد، بر اثر تلقی نادرست از مفهوم محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. این گروه بر این گمانند که محبت اهل بیت اکسیری جامع است که به تنهایی برای نجات و رستگاری انسان کافی بوده و با وجود آن، نیاز به چیز دیگری نیست. به همین دلیل شعار خود را «حَبَّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ» قرار داده‌اند.

این افراد در اثر نادانی یا غلبه احساسات یا پیروی از هوای نفس در عشق ورزیدن به اهل بیت علیهم‌السلام دچار افراط و تفریط شده و در نتیجه علاوه بر این که از کار خویش هیچ بهره‌ای نمی‌برند، دچار زیان و هلاکت ابدی می‌گردند. مولای متقیان به این آفات بنیان برانداز اشاره کرده و در نهج البلاغه در مورد افرادی که در دوستی و محبت آن حضرت دچار انحراف می‌گردند می‌فرماید:

سِيْهْلِكُ فِي صِنْفَانٍ: مَحَبُّ مَفْرُطٌ يَذْهَبُ بِهٖ الْحُبُّ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مَبْغُضٌ مَفْرُطٌ

يَذْهَبُ بِهٖ الْبَغْضُ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ الْاَلْمَطِّ الْاَوْسَطُ فَالْزَمُوْهُ.^{۱۳}

دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: کسی که در دوستی من افراط کند و شدت عشق و علاقه او را به انحراف از حق دچار نماید و کسی که در اثر شدت دشمنی با من، به سوی باطل رود. بهترین مردم نسبت به من کسانی هستند که راه اعتدال را بیمایند؛ پس از آن‌ها جدا نشوید.

بنا بر فرهنگ قرآنی و معارفی که اهل بیت علیهم السلام بیان فرموده‌اند، محبت کسی به دیگری در پیروی محبّ از محبوب جلوه‌گر نمی‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾^{۱۴} بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید.

این آیه در مورد کسانی که در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله ادعای محبت به پروردگار را داشتند، ولی به دستورات الهی عمل نمی‌کردند، یا در مورد جمعی از مسیحیان نجران که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله ادعا می‌کردند که احترام آنان به مسیح علیه السلام به سبب محبت آنان به خداست، نازل شده است^{۱۵} و بیان فرموده است که اگر کسی حقیقتاً خدا را دوست دارد، باید از پیامبر خدا اطاعت کند؛ چرا که محبت، تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از هر گونه اثر نیست؛ بلکه باید آثار آن در عمل مدعی دوستی منعکس باشد. پیوند محبت با کسی، انسان را به سوی محبوب و خواسته‌های او سوق می‌دهد و هر چه این محبت قوی‌تر و برخاسته از معرفت به کمالات محبوب باشد، این جاذبه قوی‌تر خواهد بود و محب تلاش خواهد کرد که خود را به مبدأ آن کمالات نزدیک‌تر کند و خواسته‌های او را انجام دهد؛ چرا که عشق و علاقه انسان به چیزی حتماً به این خاطر است که انسان در محبوب و معشوق خود کمالی یافته است؛ وگرنه انسان به موجودی که هیچ نقطه قوتی ندارد، عشق نمی‌ورزد. بنابراین کسی که دم از عشق و محبت به خداوند، پیامبر و اهل بیت پاک او می‌زند، باید در عمل نیز مطیع آنان باشد؛ وگرنه مدعی دروغ‌گویی بیش نیست.

پیام روشن محبت اهل بیت علیهم السلام پاکی جان است «طهارة لأنفسنا». کسی که محبت راستین و واقعی به اهل بیت داشته باشد، تمام تلاشش این خواهد بود که در کنار شعار دوستی اهل بیت، با اعمال نیک محبت و وابستگی خود به آنان را نشان دهد. پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

من رزقه الله حب الأئمة من اهل بیتی فقد أصاب خیر الدنيا والآخرة فلا
یشکن أحد انه فی الجنة فإن فی حب اهل بیتی عشرون (عشرین) خصلة عشر

منها فی الدنيا و عشر منها فی الآخرة، اما التي فی الدنيا فالزهد و الحرص علی العمل و الورع فی الدین و الرغبة فی العبادة و التوبة قبل الموت و النشاط فی قیام الیل و الیأس فی ما یدئ الناس و الحفظ لأمر الله و نهیه عز و جلّ و التاسعة بغض الدنيا و العاشرة السخا، و اما التي فی الآخرة فلا ینشر له دیوان و لا ینصب له میزان و یعطی کتابه بيمينه و یکتب له براءة من النار و ینبض وجهه و یکسی من حلل الجنة و یشفع فی مائة من اهل بیته و ینظر الله عز و جل الیه بالرحمة و بتوج من تیجان الجنة و العاشرة یدخل الجنة بغير حساب فطوبی لمحَب اهل بیتی.^{۱۶}

کسی که خداوند حب ائمه از اهل بیت من را نصیب او کند، به خیر دنیا و آخرت رسیده است؛ پس کسی در بهشتی بودن او شک نکند. همانا در دوستی اهل بیت من بیست خصوصیت وجود دارد که ده تایی آنها در دنیا و ده تایی دیگر در آخرت است. اما آنها که در دنیا عبارتند از: زهد، حریص بودن بر عمل (خیر)، ورع در دین، میل فراوان به عبادت، و توبه قبل از مرگ، و نشاط در شب‌زنده‌داری و ناامیدی از آنچه در دست مردم است و محافظت بر (رعایت) اوامر و نواهی خداوند، و نهم بغض دنیا و دهم سخاوتمند بودن؛ و اما آنچه در آخرت است این که: نامه عمل او گشوده نشده و محاکمه نمی‌شود و نامه عملش به دست راست او داده می‌شود و برای او نجات از آتش جهنم نوشته شده و صورت او نورانی می‌گردد و بر تن او لباس بهشتی می‌پوشانند و شفاعت او برای صد نفر از اهل بیتش پذیرفته می‌شود و خداوند با نگاه رحمت به او می‌نگرد و تاج بهشتی بر سر او نهاده و بی حساب او را وارد بهشت می‌کنند. پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیب دوستداران اهل بیت من باد.

آنچه از سیره اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، این است که آن بزرگواران خود از این ویژگی‌های والا برخوردار بوده‌اند و دیگران را نیز به این امور توصیه و سفارش می‌فرموده‌اند. حال

چگونه قابل تصور است کسی که خود را عاشق و محب اهل بیت علیهم السلام می‌داند، در عمل و رفتار سنخیتی با آنان نداشته و به دستورات و سفارش‌های آنان بی‌توجه باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من أحبنا فليعمل بعمَلنا وليتجلبب الورع»^{۱۷} هر که ما را دوست دارد، باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزگاری را جامه و پوشش خود قرار دهد.

ورع و تقوا و دوری از گناه باید سرلوحه زندگی محبان اهل بیت علیهم السلام باشد تا بتوانند عشق پاکان را در دل خود جای دهند؛ وگرنه دلی پر از شوق گناه را چطور می‌توان جایگاه و ظرف محبت اولیاء الهی قرار داد؟! امام صادق علیه السلام خصوصیات شیعیان واقعی را این‌گونه بیان می‌فرماید:

شیعتنا اهل الورع والاجتهاد و اهل الوفاء و الامانة و اهل الزهد و العبادة،
اصحاب احدى و خمسين ركعة في اليوم و الليلة، القائمون بالليل، الصائمون
بالنهار، يزكون اموالهم و يحجون البيت و يحتنبون كل محرم ...^{۱۸}

شیعیان ما اهل پارسایی و سخت‌کوشی در عبادت، وفاداری و امانتداری و پارسایی و عبادت‌اند. آنان که در شبانه‌روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌گذارند، شب‌ها را به عبادت سپری می‌کنند و روزها را به روزه‌داری، زکات اموال خود را می‌پردازند، به حج می‌روند و از هر حرامی دوری می‌کنند...

در این روایت به روشنی بیان شده است که شیعه یعنی کسی که آراسته به فضایل و الای اخلاقی بوده و به تکالیف و وظایف شرعی خود عمل کند و از هر عمل ناشایست و حرامی بپرهیزد. بنابراین اولین شرط محبت اهل بیت علیهم السلام، اطاعت از حق تعالی و پرهیز از گناه است. ممکن است کسی درجه پایین محبت (همان میل باطنی و رغبت درونی) را داشته باشد، ولی عملاً اهل معصیت هم باشد! چنین حبی، چندان سودبخش نیست. البته معصیت‌های اتفاقی که بعد از آن توبه باشد، باعث نمی‌شود حبّ اهل بیت علیهم السلام سودی نبخشد. امام علی علیه السلام فرمود:

أنا مع رسول الله و معى عترتى على الحوض، فمن أرادنا فليأخذ بقولنا وليعمل

بعملنا... ۱۹

من با رسول خدا ﷺ در حالی که عترت من هم با من هستند، بر حوض اشراف داریم. پس هر کس ما را می‌خواهد، هم باید گفتار ما را بگیرد و هم عمل ما را، عمل کند ...

بنابراین محبت باید در عمل جلوه‌گر شود. اگر کسی شناخت لازم و کافی از اهل بیت پیدا کرد، اطاعت از آنان را بر خود لازم می‌داند. البته همان‌گونه که اشاره شد، انسان هر چه نسبت به اهل بیت و فضایل، کمالات و حقوق آنها بیشتر معرفت داشته باشد، محبت و دلبستگی و ارتباط قلبی او با آنان بیشتر می‌شود و تبعیت، هم‌رنگی و همراهی و همدلی با آنها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری و همراهی و همسویی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود، نه یک اطاعت رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی» رابطه‌ای مستحکم به وجود می‌آید؛ زیرا معرفت محبت می‌آورد و محبت «ولایت و تبعیت»^{۲۰}.

محبت اهل بیت ﷺ، کفاره گناهان

متأسفانه برخی از شیعیان و مدعیان محبت اهل بیت ﷺ به دلیل غفلت یا عدم معرفت صحیح نسبت به اهل بیت و جایگاه آنان، بر این تصورند که صرف محبت داشتن به اهل بیت و پذیرش ولایت آنان، برای نجات و رستگاری کافی است. معمولاً چنین افرادی گزینشی عمل کرده و تنها به برخی از روایات وارده در این زمینه تمسک می‌کنند (نؤمن ببعض و نکفر ببعض)؛ درحالی که باید همه روایات را در کنار هم دید و تفسیر کرد.

مثلاً اگر در روایت پیامبر مکرم ﷺ نجات محبین اهل بیت علیهم السلام از جهنم و بهشتی بودن آنان مطرح شده، در عین حال بر وظایف و تکالیف آنان در دنیا نیز تأکید شده است. در روایات فراوانی بر این نکته تأکید شده است که صرف محبت اهل بیت بدون توجه و پایبندی به تکالیف شرعی تأثیری نداشته و به تنهایی ارزشی ندارد.

امام محمد باقر علیه السلام در فرمایشی خطاب به همه کسانی که ادعای شیعه اهل بیت علیهم السلام بودن را دارند می‌فرماید:

یا جابر! بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَاعْلَمْهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ يَا جَابِرُ مَنْ اطَاعَ اللَّهَ وَ احْبَبَنَا فَهُوَ وَلِينَا وَ مَنْ عَصَى
اللَّهَ لَمْ يَنْفَعِهِ حَبْنًا.^{۲۱}

ای جابر! از طرف من، به شیعیانم سلام برسان و به آنان اعلام کن که هیچ قرابت و خویشاوندی بین ما و خدای عزوجل نیست و فقط با اطاعت و بندگی به درگاه الهی تقرّب می‌یابد. ای جابر! هر کس خدا را اطاعت کند و همراه آن به ما محبت ورزد، دوست و محبّ ماست و هر کس خدا را معصیت کند، حب ما برایش نافع نیست.

و در روایتی دیگر می‌فرمایند:

مَنْ كَانَ لِلَّهِ مَطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ، وَ مَا تَنَال
وَلَا تَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ.^{۲۲}

هر کس که مطیع خداوند باشد، او ولی (دوستدار) ماست و هر کس که عصیانگر در برابر خدا باشد، دشمن ماست. رسیدن به ولایت ما حاصل نمی‌شود جز با عمل (به دستورات الهی) و ورع.

در این روایت به صراحت عدم پایبندی به اوامر و دستورات الهی و عصیانگری در

برابر خداوند، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام توصیف شده است. حال چگونه قابل تصور است کسی که در انجام تکالیف الهی بی مبالا است، به صرف ادعای محبت اهل بیت اهل نجات و سعادت باشد؟ امام صادق علیه السلام در مورد ناکارآمدی ایمان بدون عمل می فرمایند: «ملعون ملعون من قال: الايمان قول بلا عمل». امام رضا علیه السلام در روایتی بسیار زیبا می فرمایند:

لا تدعوا العمل الصالح و الاجتهاد في العبادة اتكالا على حب آل محمد عليهم السلام
و لا تدعوا حب آل محمد و التسليم لأمرهم اتكالا على العبادة فانه لا يقبل
احدهما دون الآخر. ۲۳

عمل صالح و تلاش در عبادت را رها نکنید با تکیه بر این که اهل بیت پیامبر را دوست دارید، و همچنین محبت اهل بیت و تسلیم در برابر امر (ولایت) آنها را رها نکنید با تکیه بر عباداتی که انجام می دهید. همانا هیچ یک از این دو بدون دیگری پذیرفته نمی شود.

در این روایت بدون هیچ گونه ابهامی بر این موضوع تأکید شده است که صرف تکیه کردن بر محبت اهل بیت علیهم السلام بدون توجه و اهتمام به عمل صالح و بندگی خداوند، کاری بی ثمر و بی نتیجه می باشد؛ همان گونه که صرف تکیه بر عمل و انجام تکالیف، بدون داشتن محبت اهل بیت و پذیرش ولایت آنان کاری عبث و بی ثمر است. بنابراین اگر محبت اهل بیت و عمل صالح در کنار یکدیگر قرار گیرند، اثر داشته و همانند دو بال موجب تعالی و پرواز انسان به سوی کمالات و رستگاری می شوند.

اگر در روایاتی محبت اهل بیت علیهم السلام کفاره گناهان بیان شده است، آن گونه که امام حسین علیه السلام می فرماید: «... ان حبنا اهل البيت لتساقط الذنوب كما تساقط الريح الورق اليابس عن الشجر»^{۲۴} چنین روایاتی را باید با توجه به روایات فوق معنا کرد. لذا این روایات بدین معنا خواهد بود که مقصود گناهانی است که از روی غفلت انجام شده باشد، نه گناهی که عالماً و عامداً و با توجه به برداشتی ناصواب از روایات انجام گرفته باشد. محبت

اهلبیت علیهم السلام این پیام صریح و روشن را دارد که محبّ اهل بیت از روی علم و عمد گناه نمی‌کند و باید در پی جبران گناهایی که از روی جهل و غفلت صورت گرفته برآید؛ چرا که بی‌تردید از اوامر و خواسته‌های قطعی اهل بیت پرهیز از گناه و ادای حقوق خداوند و حقوق مردم است. این که محبت اهل بیت کفاره گناهان است، می‌تواند به این معنا باشد که انسان را و می‌دارد تا زمانی که زنده است، خطاها و گناهان خود را جبران کند؛ نه این که مجوزی برای ارتکاب گناه و لایابالی‌گری باشد.

پی نوشت‌ها

۱. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.
۲. حسن مصطفوی، ترجمه مصباح الشریعه، ص ۵.
۳. شوری، آیه ۲۳.
۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۳۴؛ محمدتقی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۸، ص ۶۴۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۶؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۳۱۹۹.
۵. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۷۹؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۴۰۸؛ القندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۴.
۶. فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶؛ آلوسی، تفسیر آلوسی، ج ۲۵، ص ۳۲.
۷. شبلنجی، نور الابصار، ص ۱۰۴.
۸. التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶؛ زمخشری، الکشاف، ج ۴، ذیل آیه ۲۳ سوره شوری.
۹. شوری، آیه ۲۳.
۱۰. فرقان، آیه ۵۷.
۱۱. سبأ، آیه ۴۷.
۱۲. شوری، آیه ۲۳.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.
۱۴. آل عمران، آیه ۳۱.
۱۵. رک: جلال الدین سیوطی، دَرّ المنثور؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان؛ قرطبی، تفسیر قرطبی ذیل آیه .
۱۶. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۱۵.
۱۷. بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۲.
۱۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعّه، ج ۴، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۹۲.
۱۹. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۱۹.
۲۰. جواد محدثی، عشق برتر، ص ۱۴.
۲۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۳۲۱۱.
۲۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۵.
۲۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۷.
۲۴. قاضی نعمان مغربی شرح الاخبار فی فضائل ائمه اطهار، ج ۱، ص ۱۶۳.